

## طالبان برای پول از اهرم آب استفاده می کند



ابراهیم رحیمپور  
معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت  
خارجة دولت حسن روحانی

مسئله آب یک مسئله جهانی است و محدود به یک کشور نیست. ایران نیز در اطراف مرزهای خود با این مشکل مواجه است؛ در برخی مرزها ما بالادستی محسوب می شویم و دیگران به ما گله دارند و در برخی مرزهای دیگر پایین دستی هستیم. در مسئله آب منطقه عراق از ما دلخور است و ایران، سوریه و عراق از ترکیه گله دارند. در قسمت شمال کشور که رود ارس وجود دارد باز این مشکل را کشور ما دارد و تا حدودی آذربایجان از ترکیه شاکمی است. در مورد افغانستان نیز ایران، پاکستان و تا اندازه ای ترکمنستان نگران هستند. سد جدیدی که در افغانستان مورد بهره برداری قرار گرفت و بیست تن آب به روی کشورهای دیگر مشخصاً ایران و ترکمنستان را هدفگذاری کرده است. البته من نمی توانم به طور قاطع اعلام کنم که هدف افغانستان بستن آب به روی کشورهای همسایه است، به هر حال آب ثروتی مانند نفت است و طالبان نیز با همه عقبنمائی هایی که دارد اما برای به دست آوردن پول از اهرم آب استفاده می کند. بعد از قراردادی که پیش از انقلاب، ایران و افغانستان با عنوان هویدا-شفیق بر سر حقایق ایران از رود هیرمند منعقد کردند، همه دولت های بعدی افغانستان نارضایتی خود را از آن قرارداد اعلام کردند و قرارداد را کامل اجرا نکردند و با ترنندهای مختلف آن قرارداد را تضعیف کردند. با اینکه من به طالبان معترض هستم و فکر می کنم همسایه خوبی برای ما نیست اما می خواهم این را بگویم که بحث اختلاف نظر ما بر سر حقایق محدود به طالبان نیست و چندین دهه است که این مشکل را دو دولت های افغانستان داریم و موضوع آب فراتر از یک رژیم خاص در افغانستان است بنابراین باید نگاه بازتری به این موضوع داشته باشیم.

در مورد رود هیرمند، قرارداد معتبر هویدا-شفیق را داریم اما در مورد هیرپود هیچ قراردادی وجود ندارد. ما در دولت آقای روحانی نیز اصرار کردیم که در این زمینه با افغانستان مذاکره شود و حتی بین دو کشور کمیته آب تشکیل شد اما با کارشناسی های ممتد افغانستان مواجه شدیم و با اینکه بارها دو کشور درباره این

بود که محمد اشرف غنی، رئیس جمهور وقت افغانستان، در مراسم افتتاح سد کمال خان در ولایت نیمروز به صراحت گفت، کشورش «از این پس در مقابل نفت به ایران آب می دهد».

سد کمال خان بر روی رودخانه هیرمند در مرز ایران و افغانستان احداث شده است. صراحتی که در این گفتار رئیس جمهور سابق افغانستان بود به واقع همان نظمی است که بر قوانین کشورها در همه جای دنیا حاکم است. اگر شما کشوری با منابع غنی طبیعی - هر منبعی - هستید که کشورهای دیگری به آن نیاز دارند، پس می توانید از آن منبع طبیعی درآمدزایی کنید. اگر از این منظر به خواسته افغانستان نگاه کنیم، احتمالاً باید منطقی به نظر برسد، البته منطقی که بر روابط بین طالبان با سایر کشورها و در واقع، روابط بین یک حکومتی که کل دنیا به رسمیت نشناخته اند با بقیه دنیا، حاکم است.

درباره ایران و افغانستان بارها شاهد بوده ایم که حکومت قبلی افغانستان و حالا طالبان مدعی رهاسازی حقایق ایران از هیرمند بوده اند اما در عمل هیچ آبی به ایران نرسیده است. تفکر حاکم بر حکومت های افغانستان و حتی مردم مناطق مرزی این کشور این است که همسایگان در قبال جریان آب به سمت مرزها باید پول پرداخت کنند و واقعتاً حاکم بر روابط بین افغانستان با همسایگان این است که با قوانین بین المللی نمی توان با این گروه به مذاکره نشست. تشدید اقدامات افغانستان در حوزه آب در طی سال های اخیر به ویژه باعث کاهش شدید ذخایر آبی «چاه نیمه ها» به عنوان اصلی ترین منبع تامین آب در استان سیستان و بلوچستان شده است. مشکل خشکسالی هم وضعیت را از گذشته بدتر کرده است. واقعتاً حاکم بر جغرافیای ایران در منطقه شرق وایستگی ایران به آب وارد شده از افغانستان را نشان می دهد. اما دست ایران هم کاملاً خالی نیست. نباید از نظر دور داشت که افغانستان هم به ایران نیاز دارد و این نیاز افغانستان به ایران می تواند ابزار فشاری باشد بر حکومت طالبان تا ایران بتواند حقایق خود را به دست بیاورد. افغانستان به دلیل سال ها جنگ در این کشور، از داشتن زیرساخت هایی چون نیروگاه های تولید برق به قدر کفایت محروم است. این می تواند ابزاری باشد برای ایران برای برقراری یک مبادله پایاپای برق برای افغانستان و آب برای سیستان و بلوچستان. ابزار دوم ایران هم در تجارت خارجی افغانستان نپخته است. این کشور به هیچ دریایی یا آب های بین المللی راه ندارد. ایران می تواند از طریق بندر چابهار تجارت خارجی افغانستان را تسهیل کند و در مقابل افغانستان را ملزم به تامین حقایق ایران کند. دسترسی به بندر ایران برای حکومت طالبان حیاتی است و ایران می تواند از این نیاز به نفع خود بهره برد. از سوی صادرات نفت به افغانستان، همان که اشرف غنی زمانی خواهان آن بود، دیگر راه حلی است که ایران می تواند در پیش بگیرد.

مسائل محیط زیستی تمامی کشورها ارتباط تنگاتنگی با روابط سیاسی و بین المللی این کشورها با دنیا دارد. استفاده بهینه از تمامی ابزارهای فوق که ایران به آن مجهز است، به این بستگی دارد که ایران بتواند سیاست خارجی خود را برای استفاده از این ابزارها تقویت کند. طالبان حکومتی است که به یکباره از اعماق تاریخ به قرن بیست و یکم پرتاب شده است، اما با همین حکومت هم می شود مذاکره کرد. بدون شک تمرین مذاکره و ارائه پیشنهادهایی که طالبان و مردم افغانستان نتوانند آن را رد کنند، به یک دیپلماسی قوی نیاز دارد؛ دیپلماسی ای که بتواند منافع ایران را در نظر گرفته و براساس آن مذاکره کند. دیپلماسی ایران باید تبدیل به «هنر رزم» محیط زیستی شود هماهنگ با مقتضیات جغرافیایی.



### فاز تماماً ایرانی پارس جنوبی

به رغم تحریم ها و وزارت نفت اقدامات مؤثری انجام داده است؛ به عنوان مثال فاز ۱۴ پارس جنوبی که تماماً ایرانی است. مهدوی ابهری، دبیرکل انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی گفت: ۳۰ درصد بازار سرمایه مربوط به پتروشیمی ها و بالای ۴۵ درصد ارز صادرات غیرنفتی نیز مربوط به این بخش است. او گفت: در این شرایط خاص کشور با توجه به جنگ اقتصادی، حرکت اقتصادی رو به جلو جای شکرگزاری دارد. ابهری افزود: ما در دنیا منابع خدادادی هیدروکربوری را داریم که شکر آن استفاده درست از آن می شود. دبیر انجمن کارفرمایان پتروشیمی خاطرنشان کرد: طی مدتی کوتاه انقلابی برای صدور مجوزها در وزارت نفت صورت گرفت و روند آن تسریع شد. او ادامه داد: قطعاً سرمایه گذاری پتروشیمی ها برای کشور مفید و مثمرتر است و با توجه به شعار سال الزاماتی نیز در این زمینه وجود دارد.



### تحریم داخلی کریدور ریلی خواف - هرات

در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران درگیر جنگ کریدورها و سهم خواهی از کریدورهای منطقه ای و ترانزیت بین الملل است، کریدور ریلی خواف - هرات، کریدوری استراتژیک است که افغانستان را از محاصره خشکی بیرون می آورد. این کریدور علاوه بر برنامه ریزی هایی که دولت های متخاصم برای حذف آن داشتند، مانند بسیاری از موضوعات درگیر تحریم داخلی هم است. مصطفی رضایی، مدیر کنسرسیوم توسعه ریلی ایران و افغانستان با بیان اینکه کریدور ریلی خواف - هرات، افغانستان را از محاصره خشکی بیرون می آورد و به شبکه ریلی ایران متصل می کند، به اینها گفت: این کریدور علاوه بر برنامه ریزی هایی که دولت های متخاصم برای حذف آن داشتند، مانند بسیاری از موضوعات درگیر تحریم داخلی است. او با بیان اینکه با استفاده از این کریدور، افغانستان به شبکه ریلی ایران متصل می شود، گفت: این کریدور گلوگاهی است که می تواند تجارت یکسویه ایران و افغانستان را که اکنون تنها به صادرات به افغانستان محدود است، به یک تجارت دوسویه تبدیل کند.



### ایران و کوبا متعهد شوند

کوبا و ایران راه درازی را در توسعه روابط تجاری دارند و مقامات دو کشور باید بر تعهد خود بر همکاری اقتصادی تاکید داشته باشند. به گزارش ایلنا، صمد حسن زاده، رئیس اتاق بازرگانی ایران گفت: روابط ایران و کوبا همواره دوستانه و با احترام متقابل بوده و دو کشور شرکای سیاسی یکدیگر محسوب می شوند و سابقه دوستی دو ملت در سطح عالی بوده است. با این حال، این حسن روابط سیاسی در روابط اقتصادی دو کشور بازتاب ملموس و مطلوبی نداشته است. او افزود: حجم تجارت ایران و کوبا در سال های اخیر به طور پیوسته افزایش داشته و در سال ۲۰۲۲ تجارت دو کشور بیش از ۴۴۳ میلیون دلار بوده است. در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۰، ۲۱۰ میلیون دلار بود. به گفته او، ایران محصولات نفتی و پتروشیمی و مواد غذایی و ساختمانی به کوبا صادر و دارو، تجهیزات پزشکی و خدمات مهندسی از این کشور وارد می کند.

## به دنبال نوشتن قرارداد جدید برای تالاب هامون باشیم



علیرضا سروری نژاد  
کارشناس و محقق خاک

افغانستان برنامه گسترده ای برای موضوعات آب دارد؛ چه خودشان این برنامه ریزی را کرده باشند و چه دیگران این کار را برای آنها انجام داده باشند، به اعتقاد من معادلات خاورمیانه به نحوی است که آمریکا مجبور شد تدریجاً را در افغانستان جمع کند و دولت را نیز به آنها تحویل دهد؛ این یعنی قرار است افغانستان با مرز ۹۳۰ کیلومتری که دو حوضه آبی هیرپود و هیرمند با ما دارد به اصطلاح موی دماغ ایران شود. شواهد نشان می دهد که آنها برنامه مشخصی برای آب دارند و یکی از اهرم های مهم طالبان است که به نظر من قرار است با آن ایران را در بُعد جهانی تحت فشار قرار دهند.

پنج آبریز آمودریا، هیرپود، کابل و شمالی در افغانستان وجود دارد که آبریز هیرپود ۴ درصد و هیرمند ۱۱ درصد تولید آب افغانستان را دارند که بسیار کم است اما اگر به آمار کشاورزی آنها نگاه کنیم خواهیم دید که در هیرمند ۵۰ هزار هکتار زمین و در هیرپود حدود ۲۰۰ هزار هکتار تحت کشت قرار دارد و این یعنی افغانستان حدود ۷۰۰ هزار کیلومتر زمین خود را با دو حوضه آبریزی که همجوار با ایران است آبیاری می کند؛ در صورتی که کل اراضی تحت کشت این کشور حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار هکتار است و دو حوضه آبی هیرپود و هیرمند تنها ۲۵ درصد آب افغانستان را تامین می کند.

علاوه بر سد پاشدان، چند سد دیگر نیز در آن منطقه وجود دارد که نشان می دهد افغانستان برنامه منسجم و هدایت شده ای دارد که آب را به روی ایران ببندد و از نظر جهانی به ایران فشار بیاورد و دوم نیز بحث های داخلی خودشان است چون همان طور که می دانیم آب برای افغان ها یک کالای بی نهایت ارزشمند است و همانطور که خط قرمز برای ما مرزهای ایران است برای آنها آب خط قرمز محسوب می شود. پیش از انقلاب وقتی صدراعظم افغانستان با ایران قرارداد هویدا-شفیق را امضا کرد، فقط به خاطر اینکه حسن نیت خود را نشان دهد تنها چهار متر مکعب به ایران آب بیشتر داد اما به همین دلیل او را در افغانستان اعدام کردند و این نشان می دهد که هم مردمشان بر روی آب حساس هستند و هم پشتون ها بر طبل آن می کوبند.

من شک ندارم آنها تمام مبادی آبها را بر ایران می بندند؛ مثلاً سد کمال خان در افغانستان در کشور ما به عنوان سدی با حجم ۵۰ میلیون متر مکعب در نظر گرفته می شود اما این سازه یک سیستم بسیار هوشمند است که آب را به منطقه «گودرز» (که ما به اشتباه به آن شوره زار می گوئیم) هدایت می کند و ۳۵ میلیارد متر مکعب آب را در خود جای خواهد داد. من

شک ندارم که آنها تالاب هامون را به آنجا منتقل خواهند کرد و این خیلی خامدستانه است که فکر کنیم افغانستان هیچ برنامه ای برای آب ندارد و فقط آن را تلف می کند، بلکه با همان آب حوضه جنوب غربی هیرمند را می توان به بهشت تبدیل کرد چون آب آن شیرین است. متأسفانه آنها در آینده نخواهند گذاشت یک قطره آب به سمت ایران بیاید و شاهد خواهیم بود که تالاب ما با ۳۸۲ هزار هکتار وسعت به پهنای برداشت بزرگترین عرصه گرد و غبار تبدیل خواهد شد و کل سیستان و بلوچستان را دفن خواهد کرد.

این اتفاق در آینده برای خراسان نیز رخ خواهد داد، «سد دوستی» نیز برای ما مشکلات متعددی ایجاد خواهد کرد و بین ایران و ترکمنستان نیز مناقشه پیش خواهد آورد.

به نظر من وزارت خارجه در چهار دهه گذشته در این مسائل کوتاهی انجام داده است. اگر تاریخ ۱۷۰ سال گذشته را مرور کنیم خواهیم دید که افغانستان هر ۳۰ سال یک معاهده آبی با ایران داشته است؛ زمانی ۵۰ درصد به ما آب می دادند، بعد یک سوم شد و دوباره پنجاه درصد و بعد یک سوم شد. در تمام این قراردادها اگر منصفانه خواهیم بگوئیم همیشه ایران بیش از ۵۰ درصد آب گرفته اما به یکباره این حقایق قطع شد و وزارت خارجه نتوانست امتیازی در این زمینه بگیرد. اکنون این وزارتخانه دو کار می تواند انجام دهد؛ اول اینکه می تواند این را به طرف افغان بفهماند که اگر آب به ایران نرسد محدوده جنوب غربی افغانستان را نیز زیر گرد و غبار و رسوبات خواهد برد. می توان در این زمینه با طرف افغان وارد مذاکره شد و سمنهای ما با آنها ارتباط بگیرند و به آنها ثابت کنند که این روند در نهایت به ضرر آنهاست و هیرمند و اطراف آن دفن خواهد شد. موضوع دوم اینکه، چندین رودخانه از سمت افغانستان به سمت ایران می آیند اما ما تنها در مورد رود هیرمند با آنها معاهده داریم به عنوان نمونه برای رودخانه هاروت و رودخانه فراه هیچ قراردادی نداریم و باید برای آنها فکری شود چون آنها نیز وارد تالاب هامون می شوند. در مورد هیرپود نیز معاهده ای وجود ندارد و افغانستان می تواند روی آن مانور زیادی بدهد. متأسفانه وزارت خارجه آنقدر گرفتاری دارد که به این موضوع نپرداخته است ضمن اینکه ما افراد مطلع در این زمینه نیز در وزارت خارجه نداریم. من چندین بار با مجموعه ها و هیئت های اندیشه ورز که اینگونه اطلاعات را در اختیار این وزارتخانه قرار می دهند نشست و برخواست داشتم اما باور کنید حداقل اطلاعات را ندارند و به جز پیچیده کردن مشکلات کار دیگری نمی کنند در صورتی که می توان از افراد متخصص در درون استان های مرزی برای حل این مسائل کمک گرفت. وزارت خارجه باید به دنبال نوشتن یک قرارداد جدید برای تالاب باشد و همچنین برای چند رودخانه مهم دیگر معاهده بنویسند چراکه تنها دو رودخانه «فراه رود» و «هاروت» می تواند بیش از آب رودخانه هیرمند برای کشور آب بیاورد.